

بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان زنجان¹

فریبا دمرچیلی *

عبدالحسین رسول‌نژاد **

چکیده

مسئله مورد بررسی در این پژوهش بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان زنجان است. شاخص‌های بکار رفته برای اندازه‌گیری ذهنیت فلسفی عبارتست از: (جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری) که ارتباط این شاخص‌ها با میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه آماری پژوهش، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان (N=440) نفر بوده، نمونه مورد نظر از طریق نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای انتخاب گردیده است (N=210). در پژوهش مورد نظر برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه؛ خلاقیت، ذهنیت فلسفی، استفاده گردیده که هر دو استاندارد بوده و ضریب روائی آنها به ترتیب 81% و 80% برآورده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مشخصه‌های آماری، نظیر فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و برای بررسی رابطه بین متغیرها، از ضریب همبستگی و برای مقایسه میانگین‌ها در متغیرهای گروه‌بندی نظیر جنس و رشته تحصیلی از آزمون T مستقل استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد:

- با توجه به سطح معنی‌داری ($p < 0/01$) می‌توان با اطمینان 0/99 پذیرفت که بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- بین سه شاخص ذهنیت فلسفی یعنی جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری، با خلاقیت رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد.

- مقایسه انجام گرفته بوسیله آزمون T مستقل نشان می‌دهد در رشته علوم انسانی و علوم پایه بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت اعضای هیئت علمی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

- مقایسه‌های انجام گرفته بوسیله آزمون T مستقل با ($p > 0/05$) نشان می‌دهد بین میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی زن و مرد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما با ($p > 0/01$) ذهنیت فلسفی در مردان بیشتر از زنان است.

- در بین شاخص‌های ذهنیت فلسفی نیز تنها عاملی که باعث ایجاد تفاوت شده شاخص تعمق می‌باشد، به طوری که مردان به صورت معنی‌داری تعمق بیشتری از زنان داشته، اما انعطاف‌پذیری و جامعیت زنان و مردان تفاوت معنی‌داری، با یکدیگر نداشته است.

واژگان کلیدی: ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری، خلاقیت، هیئت علمی، دانشگاه

1. این طرح پژوهشی با اعتبارات مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خدابنده انجام شده است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خدابنده (زنجان) (مستول مکاتبات: F.D@Khaiu.ac.ir)

** کارشناس ارشد مدیریت دولتی، رئیس دانشگاه آزاد خدابنده

مقدمه

بی‌شک یکی از زیباترین ویژگی‌های انسان، قدرت آفرینندگی و خلاقیت اوست. به کمک همین ویژگی است که انسان می‌تواند اهداف آرمان‌گرایانه خود را تحقق بخشیده و توانایی‌های خود را شکوفا سازد. آقایی (1383) خلاقیت را فرایند ایجاد هر چیز جدید با ارزش تعریف می‌کند. برخی افراد می‌پندارند که خلاقیت خصوصیت ذاتی شمار معدودی از انسان‌هاست که با این توانایی متولد می‌شوند. در صورتی که ثابت شده است، این استعداد در نوع بشر به مثابه حافظه عمومیت داشته و می‌توان آن را با کاربرد اصول و روش‌های معین پرورش داد. پیشرفت روزافزون جامعه بشری در ابعاد مختلف، گویای این واقعیت است که در گرو خلق اندیشه‌های نو و تحول در نظام‌های آموزشی است که علم و تکنولوژی به سرعت پیشرفت کرده و افراد خلاق در این پیشرفت و تحول عظیم نقش کلیدی و تعیین‌کننده داشته‌اند. از آنجا که امروزه، تعلیم و تربیت به عنوان اساسی‌ترین عامل رشد و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی اهمیت بسزایی پیدا کرده، مسئولیت مسئولان آموزشی نیز بیشتر شده است. توانایی فکری و خلاقیت مسئولان آموزشی در جهت بهبود کیفیت آموزشی از مهم‌ترین ویژگی‌های آنان محسوب می‌شود. تفکر صحیح و منطقی مربی آموزشی را می‌توان منوط به داشتن ذهنیت فلسفی او دانست، ذهن فلسفی فرد را می‌توان از طرز تفکر، نحوه برخورد با مسائل و گرایش و خصوصیات فکری او شناخت که در جنبه‌های مختلف رفتارش به چشم می‌خورد. در این خصوص یکی از مکاتب فلسفی که به طور خاص به موضوع ذهنیت پرداخته، ایده‌آلیسم است. مکتب ایده‌آلیسم اولویت امور ذهنی، روحی و آرمانی را به عنوان مبنای واقعیت مورد تأیید قرار می‌دهد و معتقد است ذهن برای انسان نیروی حیاتی بنیادینی فراهم می‌کند که به او سرزندگی و پویایی می‌بخشد. شک کردن، بر وجود ذهن دلالت دارد؛ شک کردن همان فکر کردن است. تفکر بر وجود عقل یا ذهن اشاره دارد (گوتک، 1388). ذهن فلسفی به فرد بینش و دانشی می‌دهد تا بتواند در مواجهه با مسائل از تنگ نظری، خودمحوری و یک‌جانبه‌نگری مصون بماند و همچنین به او کمک می‌کند تا با شناخت و معرفت لازم درباره امور به طور منطقی تصمیم بگیرد. در واقع می‌توان گفت ارزش هر انسان در نیکو اندیشیدن اوست از این رو، تفکر و مهارت درست اندیشیدن از جمله مسائل مهمی است که از دیرباز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است (هاشمی، 1383). مسأله اساسی تربیت، تفکر می‌باشد که برای پرورش آن ابزارهایی لازم است یکی از این ابزارها داشتن ذهن فلسفی است که افراد را در تفکر

صحیح و منطقی کمک می‌کند. در خصوص ذهن فلسفی میرکمالی (1379) معتقد است تفکر منطقی اساس کار فرد است و فرد باید با تفکر منطقی از شناسایی مسأله تا پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات پیش برود و این کار امکان‌پذیر نیست، مگر این که از خصوصیات تفکر منطقی برخوردار باشد. تفکر منطقی حاصل داشتن ذهن فلسفی است. از دیدگاه لیپمن و مارگارج (1975) هدف تفکر فلسفی بهبود توانایی استدلال، رشد و توسعه خلاقیت و رشد شخصی فرد می‌باشد. لیپمن معتقد است که در برنامه درسی باید درس فلسفه وجود داشته باشد تا دانش‌آموزان با مفاهیم فلسفی آشنا شده تا در مراحل بعدی تفکر فلسفی در آنان تقویت شود. روش بحث گروهی و گفتگو و مباحث گروهی و گفتگو و مباحث کلاسی و حل مسأله برای تقویت تفکر فلسفی می‌تواند مؤثر باشد (استنلی، 2004).

اسمیت (1965) ذهنیت فلسفی را توانایی‌ها و ویژگی‌های ذهن می‌داند که به تفکر صحیح فرد کمک می‌کند و او را به قضاوت‌های صحیح عادت می‌دهد. او برای ذهن فلسفی سه بعد؛ جامعیت¹، تعمق² و انعطاف‌پذیری³ قائل شده است و برای هر بعد چهار خصوصیت را بیان کرده که در این پژوهش ذهن فلسفی از این سه بعد مورد بررسی قرار گرفته است:

- **جامعیت:** نشانه‌های این بعد آن است که 1. فرد موارد خاص را در یک زمینه وسیع با هم مرتبط ساخته و سعی می‌کند تصویر بزرگ را ببیند؛ 2. در برخورد با مسائل، رابطه آنها را با اهداف اساسی یا ایده‌آل‌ها و آرمان‌هایی که تحقیق آنها در آینده امکان دارد در نظر می‌گیرد؛ 3. و برای ارائه نظریات قابل تعمیم می‌کوشد، اما این نظریات را از مطالعه همه جزئیات و جمع‌آوری خصوصیات مشترک آنها استخراج نمی‌کند، بلکه از طریق بررسی و تحلیل چند مورد یک قاعده کلی بدست می‌آورد؛ 4. و در مقابل عقاید و افکار مختلف سعه صدر نشان می‌دهد.

- **انعطاف‌پذیری:** نشانه‌های این جنبه از ذهن فلسفی عبارتند از 1. فرد دچار جمود روان‌شناختی نمی‌شود، عقاید و افکار را بدون آنکه تحت تأثیر منابع آنها قرار بگیرد، ارزیابی می‌کند؛ 2. مسائل را از جهات متعدد مورد بررسی قرار می‌دهد و میان امور متناقض و متضاد تفاوت قائل می‌شود؛ 3. و در قضاوت‌ها جنبه احتیاط را رعایت کرده و از قطعی و یقینی کردن عقاید پرهیز می‌نماید.

- **تعمق:** نشانه‌های این بعد شامل آن است که فرد 1. اموری را که برای دیگران مسلم فرض می‌شود مورد سؤال قرار می‌دهد؛ 2. با ژرف‌اندیشی جنبه اساسی مسائل را تشخیص می‌دهد و در برخورد با هر نظریه اصول و مبانی آن را تشخیص می‌دهد؛ 3. و از آنچه می‌بیند، چیزهای نامحسوس را استخراج می‌کند و به معنای تلویحی و ربط امور حساس می‌باشد؛ 4. و از روش قیاسی به جای روش استقرایی استفاده می‌کند (شریعتمداری، 1377).

کایزر¹ (1968) خلاقیت را به معنای بکارگیری توانایی‌های ذهن برای ایجاد یک فکر جدید می‌داند. میچل² (1991) یکی از ویژگی‌های افراد خلاق را تفکر منطقی می‌داند و می‌گوید اگر چه افرادی که فکر خلاق دارند خود را محصور در یک فکر نمی‌کنند و فکرهای مختلف را از زوایای متفاوت در ذهن بررسی می‌کنند ولی همواره دارای فکر اصولی و منطقی هستند. آنها به دنبال علت و معلول‌ها می‌گردند و تفکرشان بر اصول منطقی استوار است.

علی‌رغم اهمیت ذهن فلسفی و خلاقیت و رابطه بین این دو مقوله، پژوهشگران کشور ما کمتر به این موضوع پرداخته‌اند. از این رو، پرسش‌های زیادی در این زمینه بی‌پاسخ مانده است. پرسش‌هایی مانند این که اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها از نظر ذهنیت فلسفی و خلاقیت در چه وضعیتی قرار دارند؟ آیا بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت آنها رابطه‌ای وجود دارد و چگونه می‌توان توانایی‌های مرتبط با ذهنیت فلسفی و خلاقیت اعضای هیئت علمی را تقویت کرد؟

با توجه به موارد بالا، در پژوهش حاضر این مسأله بررسی می‌شود که ویژگی‌های ذهن فلسفی اعضای هیئت علمی به عنوان یکی از عناصر کلیدی در سیستم دانشگاهی تا چه میزان با خلق اندیشه‌ها و ایده‌های نو (خلاقیت) آنها رابطه دارد؟

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

با پیشرفت روزافزون و پیچیدگی جوامع و وقوع تغییرات سریع علمی، صنعتی و اجتماعی، پیش‌بینی دانش‌ها و مهارت‌های ضروری برای زندگی آینده مشکل شده است و به عبارتی نمی‌توان به گذشته به عنوان راهنمای آینده تأکید داشت. در چنین شرایطی نظام‌های آموزشی ناچارند با کنار گذاردن شیوه‌های سنتی تعلیم و تربیت نظیر جهش‌های تحصیلی، انباشت اطلاعات، مدرک‌گرایی و اهتمام به تربیت انسان‌های هم‌رنگ، آموزش و پرورش خلاق را گسترش داده و اقدام به تربیت نسلی

1. Kaiser

2. Michael

بنماید که در شرایط ناآشنای آینده و در برخورد با موضوعات و مشکلات جدید، قادر باشند به صورت مستقل اندیشیده و اقدام به تصمیم‌گیری نمایند.

در نظام‌های آموزشی، اعضای هیئت علمی یکی از مهم‌ترین عناصری هستند که در کارآیی درونی و بیرونی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایفای نقش می‌نمایند و به نظر می‌رسد برخورداری از ذهن فلسفی و تفکر منطقی اعضای هیئت علمی تأثیر بسزایی در زندگی تک تک دانشجویان خواهد داشت. طرز تفکر، برخورد با مسائل و گرایش و خصوصیات فکری اعضای هیئت علمی دور از چشم دانشجویان نخواهد ماند و دانشجویان به عنوان محصول یا برون‌داد دانشگاه تحت تأثیر ایده‌ها و فکرهای گوناگون، وارد جامعه می‌شوند، و در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به فعالیت می‌پردازند. بنابراین تأثیر نگرش و تفکر اعضای هیئت علمی بر دانشجو بسیار ملموس و تعیین‌کننده می‌باشد. اهمیت دیگر پژوهش اینکه آگاهی اعضای هیئت علمی از نقش اساسی ذهنیت فلسفی و خلاقیت خود و تأثیر آنان در زندگی دانشجویان، آنها را به تقویت این دو مقوله وادار کرده و همچنین به مسئولان دانشگاهی خاطر نشان خواهد ساخت که برای تقویت خلاقیت و ذهنیت فلسفی اعضای هیئت علمی زمینه‌های لازم را فراهم سازند که این امر به نوبه خود در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری و بالا بردن کیفیت آموزشی مؤثر خواهد بود. با توجه به اهمیت مسائل ذکر شده از یک سو، پژوهش بسیار اندکی که در تبیین رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی صورت گرفته، از سوی دیگر، ضرورت انجام این تحقیق را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه تحقیق‌های مربوط به خلاقیت، با فعالیت‌های گروهی از محققین که تلاش خود را معطوف به مطالعه در زمینه نقش عوامل بیرونی نظیر پاداش و انگیزه در عملکرد خلاق نموده‌اند، مواجه می‌شویم. در این زمینه شوماخر¹ و اسپلر² در سال 1975 از تحقیقات خود چنین نتیجه‌گیری کردند که اگر به آزمودنی‌ها گفته شود که در یک آزمون خلاقیت شرکت دارند، نمرات آنها در این آزمون افزایش خواهد یافت (هاشمی، 1383).

- مک کینون¹ (1962) در پژوهشی به بررسی نگرش افراد خلاق نسبت به خودشان پرداخت. افراد خلاق در پاسخ به پرسشنامه صفات گوف تصویر مثبتی از خود نشان دادند. این تحقیق بر روی مهندسان معمار، مدیران و هنرمندان خلاق انجام گرفت. نتایج به دست آمده عبارت بود از این که هر کدام از گروه‌های مورد بررسی صفاتی را در وصف خود ابراز داشتند، مهندسان معمار خود را فعال، مبتکر، هنرمند و باهوش وصف نمودند و مدیران خود را افرادی منطقی، پرکار، دارای روح همکاری، سازگار، منعطف، دارای علایق گوناگون و شجاع توصیف کردند (هاشمی، 1383: ص 45).

- پژوهشی دیگر که توسط پرفسور کیت تاپینگ (2006) در دانشگاه داندی انجام شده، بیانگر آن است در کلاس‌هایی که خلاقیت و تفکر فلسفی تسهیل شده، احترام به خود و اعتماد به نفس شاگردان رشد یافته و شاگردان نسبت به احساسات خود و دیگران آگاه‌تر می‌شوند و رفتارهای کلاسی بهبود می‌یابد.

- اسمیت (1965) به منظور بررسی تأثیر ذهنیت فلسفی بر روابط انسانی مطلوب و میزان خلاقیت مدیران و همچنین بر روحیه کارکنان مدارس ویرجینیا پژوهشی انجام داد. نمونه آماری از مدیران 46 مدرسه در این ایالت انتخاب شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران با روابط انسانی مطلوب و میزان خلاقیت مدیران و نیز با روحیه کارکنان رابطه مستقیم وجود دارد. در این پژوهش بین ویژگی‌هایی مانند سن، سنوات خدمت و تحصیلات مدیران با ذهنیت فلسفی آنها تفاوت معنی‌داری دیده نشد؛ اما تفاوت میان میانگین نمرات خلاقیت در دو گروه زن و مرد معنی‌دار بود. معلمان در این پژوهش معتقد بودند که با مدیران دارای ذهن فلسفی بالا، راحت‌تر به توافق می‌رسند.

- فورد² (1998) در رابطه با دیدگاه مدیران درباره عوامل مهم خلاقیت در سازمان‌های آموزشی آمریکا پژوهشی انجام داد. در مرحله اول، دیدگاه 169 مدیر در مورد عوامل مهم خلاقیت مورد بررسی قرار گرفت در مرحله دوم، 46 مدیر به صورت غیرمستقیم مورد آموزش قرار گرفتند که تفاوت آشکاری بین دیدگاه اول و دیدگاه بعد از آموزش مشاهده شد. نتیجه نشان داد که بین مدرک تحصیلی مدیران و خلاقیت آنها رابطه وجود دارد؛ یعنی هرچه مدرک تحصیلی مدیران بالاتر بوده، خلاقیت آنها بیشتر شده. البته ارتباط مستقیم ناشی از آموزش‌های پرورش خلاقیت در کنار تحصیلات بود.

1. Mack Kinnon

2. Ford

نتایج پژوهش‌هایی که به طور مختصر ارائه شد، مربوط به پژوهش‌هایی بود که در برخی کشورها انجام گردیده بود. حال به پژوهش‌هایی که در داخل کشور در زمینه خلاقیت و ذهنیت فلسفی و رابطه بین این دو متغیر انجام گردیده، اشاره می‌شود.

- اسحاقیان (1372) پژوهشی با عنوان «میزان حاکمیت ابعاد روح فلسفی در مدیران آموزشی مقطع متوسطه شهر اصفهان» انجام داده، نتایج بدست آمده حاکی از آن است که مدیران را می‌توان بر اساس میزان برخورداری از روح فلسفی طبقه‌بندی کرد. اگر چه در تمام ابعاد روح فلسفی نمرات زنان بیشتر از مردان بود، اما میان سن و میزان روح فلسفی مدیران زن و مرد تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. همچنین بین روح فلسفی و علاقه شغلی همبستگی زیادی وجود داشت.

- خرقانیان (1372) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با روحیه معلمان آنان در مدارس راهنمایی منطقه پنج شهر تهران» انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد معلمانی که با مدیران دارای ذهنیت فلسفی بالا کار می‌کردند از روحیه معلمانی که با مدیران دارای ذهنیت فلسفی پایین کار می‌کردند، بالاتر بود.

- حسین‌پور (1385) در پایان‌نامه خود به «بررسی رابطه ذهنیت فلسفی و سبک مدیریت تعارض مدیران متوسطه شهر رشت» پرداخت. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ضریب همبستگی بین ذهنیت فلسفی و سبک مدیریت تعارض ستژیک مساعی مدیران معنی‌دار بوده و بین این دو متغیر رتبه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین ارتباط بین مؤلفه‌های جامعیت و انعطاف‌پذیری با سبک مدیریت تعارض ستژیک مساعی معنی‌دار بوده و ضریب همبستگی بین ذهنیت فلسفی با سبک مدیریت تعارض انعطاف‌پذیری رابطه معنی‌دار بوده است و بین سبک مدیریت تعارض مصالحه و مؤلف تعمق رابطه معنی‌دار وجود داشته و بین ذهنیت فلسفی و سبک رقابت مدیران مدارس متوسطه و همچنین بین ذهنیت فلسفی با سبک مدیریت تعارض اجتنابی مدیران مدارس متوسطه رابطه وجود ندارد.

مرادی (1386) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین باورهای معرفت‌شناختی اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد با کیفیت تدریس پرداخت. نتایج بیانگر آن است که با اطمینان 99% می‌توان ادعان داشت که هر چه میزان باور خام سریع بودن دانش در اعضای هیئت علمی کمتر باشد، کیفیت تدریس اعضای هیئت علمی بیشتر و بهتر خواهد بود.

- بندلی زاده (1376) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ذهنیت فلسفی بر کارآیی مدیران متوسطه شهرستان دامغان» به این نتایج دست یافته است که بین ذهن فلسفی مدیران و کارآیی آنان رابطه وجود دارد. اما بین ویژگی‌های سن، جنس و رشته تحصیلی مدیران با ذهنیت فلسفی آنها تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

- فرهنگ (1377) پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر خلاقیت مدیران شرکت روغن نباتی پارس» در شهر تهران انجام داد و به این نتیجه دست یافت که بین سن و خلاقیت مدیران و همچنین بین میزان تحصیلات و خلاقیت آنان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

- فخرالسادات سیف هاشمی (1383) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان» انجام داده، نتایج حاکی از آن است که بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران رابطه مثبتی وجود دارد، همچنین بین هر یک از ابعاد ذهنیت فلسفی (تعمق، جامعیت و انعطاف‌پذیری) با خلاقیت رابطه دیده می‌شود. بین ذهنیت فلسفی و ابعاد آن و خلاقیت مدیران با توجه به متغیرهایی مانند سن، خدمت، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و نوع مدرسه دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید، اما بین ویژگی جنسیت و خلاقیت مدیران تفاوت معنی‌داری مشاهده گردید. بدین صورت که خلاقیت در مدیران زن بیشتر از مدیران مرد بود.

با توجه به اهمیت موضوع و رابطه بین دو متغیر ذهنیت فلسفی و خلاقیت و اینکه چنین پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی استان زنجان انجام شده است. پژوهش حاضر، درصدد بررسی تعیین رابطه دو متغیر ذهنیت فلسفی و خلاقیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی استان زنجان می‌باشد. به بیان دیگر این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان زنجان رابطه وجود دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

با در نظر گرفتن ماهیت و هدف پژوهش، یعنی بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی اعضای هیئت علمی با خلاقیت آنها، روش تحقیق حاضر توصیفی - پیمایشی است.

ابزار و روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بود. بخش ادبیات و مبانی نظری کتب، نشریات و مجلات فارسی و انگلیسی و اینترنت انجام پذیرفت، و بخش میدانی شامل دو پرسشنامه در زمینه خلاقیت و ذهنیت فلسفی بود که در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان توزیع گردید، این دو پرسشنامه، استاندارد بود و ضریب روانی و پایایی آنها به ترتیب 81% و 80% برآورد گردیده که هر کدام با 30 گویه و بر اساس مقیاس 5 درجه‌ای طیف لیکرت تنظیم شد. پرسشنامه ذهنیت فلسفی دارای 3 بعد جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری بر اساس مدل اسمیت برای سنجش ذهنیت فلسفی و پرسشنامه خلاقیت بر اساس ویژگی‌های افراد خلاق و از تلفیق پرسشنامه رادوسپ¹ (1999) و انجمن خلاق آمریکا² توسط خانم فخرالسادات سیف هاشمی تهیه و تنظیم شد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، شامل اعضای هیئت علمی تمام وقت و پاره وقت دانشگاه‌های آزاد استان زنجان تعداد آنها که 445 نفر بود. برای جدول مورگان تعداد نمونه 210 نفر تعیین شد که نمونه‌گیری به صورت تصادفی - طبقه‌ای انجام گرفت. از 210 عضو هیئت علمی 68 نفر زن و 104 نفر مرد، نمونه مورد نظر را تشکیل داده که در گروه علوم پایه و انسانی توزیع شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، میانگین، درصد، واریانس و انحراف معیار و برای همبستگی بین متغیرهای ذهنیت فلسفی و خلاقیت، از ضریب همبستگی آزمون t مستقل، آزمون تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره، و همچنین برای دقت در محاسبات از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

1. Raudsepp

2. Association USA creativity Questionnaire

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش – آیا بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان رابطه وجود دارد؟

در ابتدا لازم است به مقایسه توزیع داده‌های جمع‌آوری شده در رابطه ذهنیت فلسفی با خلاقیت از نظر توزیع طبیعی و نرمال آماری پرداخته شود. در همین راستا، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف به شرح جدول (1) استفاده شده است.

جدول (1) آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت مقایسه توزیع داده‌ها با توزیع طبیعی

| انعطاف پذیری | تعمق | جامعیت | ذهنیت فلسفی | خلاقیت | |
|--------------|-------|--------|-------------|--------|-----------|
| 1 | 0/720 | 0/913 | 0/776 | 0/702 | ضریب ۱ |
| 0/264 | 0/677 | 0/375 | 0/514 | 0/708 | معنی داری |

جدول (1) آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت تطابق توزیع داده‌های متغیرهای وابسته با توزیع نرمال آورده شده است. طبق داده‌های این جدول هیچ یک از توزیع‌های خلاقیت، ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری تفاوت معنی‌داری با توزیع طبیعی ندارند، لذا می‌توان در تجزیه و تحلیل این داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود.

جدول (2) همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه ذهنیت فلسفی و خلاقیت

| خلاقیت | همبستگی پیرسون |
|--------|----------------|
| 0/517 | ضریب همبستگی |
| 0/000 | معنی داری |
| 172 | تعداد |

جدول (2) نیز همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه ذهنیت فلسفی و خلاقیت را نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول این دو متغیر دارای رابطه‌ای مثبت با یکدیگر بوده و با افزایش هر یک، متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد. مقدار این رابطه نیز 0/517 می‌باشد و با توجه به سطح معنی‌داری ($p < 0/01$) می‌توان با اطمینان 99% این رابطه را پذیرفت. برای قضاوت دقیق‌تر در مورد رابطه با مقدار رابطه این دو متغیر، از ضریب تعیین استفاده شد که در مورد این دو متغیر برابر با $r^2 = 0.267$ حاصل شد. این مقدار ضریب تعیین، بیانگر آن است که دو متغیر ذهنیت فلسفی و خلاقیت دارای 27% واریانس مشترک می‌باشند.

سؤال دوم پژوهش: آیا بین بعد جامعیت و خلاقیت اعضای هیئت علمی رابطه معنی داری وجود دارد؟

جدول (3) همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه جامعیت و خلاقیت

| خلاقیت | | همبستگی پیرسون |
|--------|--------------|----------------|
| 0/448 | ضریب همبستگی | جامعیت |
| 0/000 | معنی داری | |
| 172 | تعداد | |

جدول (3) نیز همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه جامعیت و خلاقیت را نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول، این دو متغیر دارای رابطه‌ای مثبت با یکدیگر بوده و با افزایش هر یک، متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد. مقدار این رابطه نیز 0/448 می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری ($p < 0.01$) می‌توان با اطمینان 99% این رابطه را پذیرفت. برای قضاوت دقیق‌تر در مورد رابطه با مقدار رابطه این دو متغیر از ضریب تعیین استفاده شد که در مورد این دو متغیر برابر با $r^2 = 0.200$ حاصل شد. این مقدار ضریب تعیین، بیانگر آن است که دو متغیر جامعیت و خلاقیت دارای 20% واریانس مشترک می‌باشند.

سؤال سوم پژوهش: آیا بین بعد تعمق و خلاقیت اعضای هیئت علمی رابطه معنی داری وجود دارد؟

جدول (4) همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه تعمق و خلاقیت

| خلاقیت | | همبستگی پیرسون |
|--------|--------------|----------------|
| 0/434 | ضریب همبستگی | تعمق |
| 0/000 | معنی داری | |
| 172 | تعداد | |

جدول (4) نیز همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه تعمق و خلاقیت را نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول، این دو متغیر دارای رابطه‌ای مثبت با یکدیگر بوده و با افزایش هر یک، متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد. مقدار این رابطه نیز 0/434 بود و با توجه به سطح معنی داری ($p < 0.01$) می‌توان با اطمینان 99% این رابطه را پذیرفت.

جهت قضاوت دقیق‌تر در مورد رابطه با مقدار رابطه این دو متغیر از ضریب تعیین استفاده شد که در مورد این دو متغیر برابر با $r^2 = 0.188$ حاصل شد. این مقدار ضریب تعیین، بیانگر آن است که دو متغیر تعمق و خلاقیت دارای 19% واریانس مشترک می‌باشند.

سؤال چهارم پژوهش: آیا بین بعد انعطاف‌پذیری و خلاقیت اعضای هیئت علمی رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

جدول (5) همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه انعطاف‌پذیری و خلاقیت

| خلاقیت | | همبستگی پیرسون |
|--------|--------------|----------------|
| 0/405 | ضریب همبستگی | انعطاف‌پذیری |
| 0/000 | معنی‌داری | |
| 172 | تعداد | |

جدول (5) نیز همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه انعطاف‌پذیری و خلاقیت را نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول، این دو متغیر دارای رابطه‌ای مثبت با یکدیگر بوده و با افزایش هر یک متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد. مقدار این رابطه نیز 0/405 بود و با توجه به سطح معنی‌داری ($p < 0.01$) می‌توان با اطمینان 99% این رابطه را پذیرفت. برای قضاوت دقیق‌تر در مورد رابطه، با مقدار رابطه این دو متغیر از ضریب تعیین استفاده شد که در مورد این دو متغیر برابر با $r^2 = 0.164$ حاصل شد. این مقدار ضریب تعیین، بیانگر آن است که دو متغیر جامعیت و خلاقیت دارای 16% واریانس مشترک می‌باشند.

همانطور که در سه بخش قبلی مشاهده شد، بین خلاقیت و ذهنیت فلسفی رابطه قوی و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0.517$; $p < 0.01$)، اما سه جزء ذهنیت فلسفی یعنی جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری هم با خلاقیت دارای رابطه آماری معنی‌داری بودند. از بین این سه متغیر، متغیری که بیشترین رابطه را با خلاقیت داشت، متغیر جامعیت است، که دارای 20% واریانس مشترک با خلاقیت بود و پس از آن بیشترین رابطه را تعمق و بعد هم انعطاف‌پذیری با خلاقیت داشت.

سؤال پنجم پژوهش: آیا بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی بر اساس گروه تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

جدول (6) آماره‌های توصیفی خلاقیت و ذهنیت فلسفی در گروه علوم انسانی و علوم پایه

| خطای انحراف استاندارد میانگین | انحراف استاندارد | میانگین | تعداد | شاخص‌ها | |
|-------------------------------|------------------|---------|-------|-------------|--------------|
| | | | | ابعاد | |
| 1/174 | 10/696 | 102/855 | 83 | علوم پایه | خلاقیت |
| 1/135 | 10/711 | 104/359 | 89 | علوم انسانی | ذهنیت فلسفی |
| 1/159 | 10/564 | 101/301 | 83 | علوم پایه | جامعیت |
| 1/229 | 11/602 | 99/393 | 89 | علوم انسانی | تعمق |
| 0/527 | 4/807 | 36/759 | 83 | علوم پایه | انعطاف‌پذیری |
| 0/514 | 4/858 | 36/112 | 89 | علوم انسانی | |
| 0/580 | 4/635 | 35/831 | 83 | علوم پایه | |
| 0/554 | 5/232 | 34/775 | 89 | علوم انسانی | |
| 0/430 | 3/918 | 28/710 | 83 | علوم پایه | |
| 0/428 | 4/042 | 28/550 | 89 | علوم انسانی | |

جدول (6) آماره‌های توصیفی خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) در رشته علوم انسانی و علوم پایه را تفکیک شده نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی گروه‌های علوم انسانی بیشتر از گروه‌های علوم پایه است، اما ذهنیت فلسفی اعضای هیئت علمی در گروه‌های علوم پایه بیشتر می‌باشد. این برتری در مورد تمامی اجزاء ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) اعضای هیئت علمی گروه علوم پایه بیشتر از گروه علوم انسانی است. اما حالا باید دید که این تفاوت‌ها واقعی است و یا ناشی از خطای نمونه‌گیری می‌باشد. برای رعایت این اصل و قضاوت بهتر در مورد تعمیم داده‌های تحقیق از آزمون استنباطی T مستقل استفاده شد. جدول (7) به مقایسه خلاقیت و ذهنیت فلسفی بین اعضای هیئت علمی علوم انسانی و علوم پایه می‌پردازد. آزمون لوین اجرا شد. در ستون اول این جدول برای بررسی تجانس واریانس گروه‌ها (علوم انسانی و پایه) در متغیرهای وابسته (خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری)) آورده شده است. طبق داده‌های این آزمون واریانس متغیرهای وابسته در هیچ یک از سطوح متغیر گروه‌بندی با یکدیگر تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p > 0.05$) و می‌توان از آزمون T با فرض تساوی واریانس‌ها استفاده نمود. مقایسه‌های انجام گرفته به وسیله آزمون T مستقل، بیانگر آن است نشان می‌دهد که

خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) بین گروه علوم انسانی و علوم پایه با یکدیگر هیچ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول (7) مقایسه خلاقیت و ذهنیت فلسفی بین اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی و علوم پایه

| تفاوت میانگین‌ها | معنی‌داری | درجه آزادی | مقدار T | ازمون لوین | | شاخص‌های اماری | |
|------------------|-----------|------------|---------|------------|--------|----------------------|--|
| | | | | معنی‌داری | ضریب F | ابعاد | |
| -1/504 | 0/358 | 170 | -0/921 | 0/018 | 0/894 | تساوی واریانس‌ها | |
| | 0/358 | 169/198 | -0/921 | | | عدم تساوی واریانس‌ها | |
| 1/907 | 0/262 | 170 | 1/125 | 0/174 | 0/678 | تساوی واریانس‌ها | |
| | 0/261 | 169/906 | 1/129 | | | عدم تساوی واریانس‌ها | |
| 0/646 | 0/382 | 170 | 0/877 | 0/210 | 0/648 | تساوی واریانس‌ها | |
| | 0/382 | 169/395 | 0/877 | | | عدم تساوی واریانس‌ها | |
| 1/056 | 0/164 | 170 | 1/397 | 0/778 | 0/379 | تساوی واریانس‌ها | |
| | 0/162 | 169/561 | 1/403 | | | عدم تساوی واریانس‌ها | |
| 0/205 | 0/736 | 170 | 0/338 | 0/002 | 0/967 | تساوی واریانس‌ها | |
| | 0/736 | 169/742 | 0/338 | | | عدم تساوی واریانس‌ها | |

سؤال ششم پژوهش: آیا بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی بر اساس جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول (8) آماره‌های توصیفی خلاقیت و ذهنیت فلسفی اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی و علوم پایه

| خطای انحراف استاندارد میانگین | انحراف استاندارد | میانگین | تعداد | شاخص‌های اماری | |
|-------------------------------|------------------|---------|-------|----------------|--------------|
| | | | | ابعاد جنسیت | |
| 1/353 | 11/164 | 102/632 | 68 | زن | خلاقیت |
| 1/018 | 10/386 | 104/288 | 104 | مرد | |
| 1/343 | 11/075 | 97/602 | 68 | زن | ذهنیت فلسفی |
| 1/063 | 10/843 | 102/086 | 104 | مرد | |
| 0/582 | 4/805 | 35/838 | 68 | زن | جامعیت |
| 0/473 | 4/831 | 36/807 | 104 | مرد | |
| 0/579 | 4/778 | 33/823 | 68 | زن | تعمق |
| 0/478 | 4/876 | 36/340 | 104 | مرد | |
| 0/466 | 3/843 | 27/941 | 68 | زن | انعطاف‌پذیری |
| 0/393 | 4/014 | 29/038 | 104 | مرد | |

طبق داده‌های جدول (8) میزان خلاقیت و ذهنیت فلسفی اعضای هیئت علمی مردان بیشتر از زنان می‌باشد. این برتری هم در مورد دو جزء از ذهنیت فلسفی (جامعیت و تعمق) در اعضای هیئت علمی مردان بیشتر از زنان است. اما میانگین انعطاف‌پذیری اعضای هیئت علمی زنان از مردان بیشتر است.

اما حالا باید دید که این تفاوت‌ها واقعی است و یا ناشی از خطای نمونه‌گیری هستند. برای رعایت این اصل و قضاوت بهتر در مورد تعمیم داده‌های تحقیق از آزمون استنباطی T مستقل استفاده شد. جدول (8) به مقایسه خلاقیت و ذهنیت فلسفی در بین اعضای هیئت علمی می‌پردازد. برای این منظور آزمون لوین اجرا شد. در ستون اول این جدول برای بررسی تجانس واریانس گروه‌ها (علوم انسانی و پایه) در متغیرهای وابسته (خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری)) آورده شده است. طبق داده‌های این آزمون واریانس متغیرهای وابسته در هیچ یک از سطوح متغیر، بین گروه‌بند، با یکدیگر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p > 0.05$) و افزون بر این از آزمون T با فرض تساوی واریانس‌ها استفاده شد. مقایسه‌های انجام گرفته به وسیله آزمون t مستقل بیانگر آن است که خلاقیت در بین اعضای هیئت علمی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد زیرا مقدار $p > 0.05$ می‌باشد. اما ذهنیت فلسفی در اعضای هیئت علمی مردان به صورت معنی‌داری بیشتر از زنان است ($p < 0.01$). در بین اجزاء ذهنیت فلسفی نیز تنها عاملی که باعث ایجاد تفاوت شده است، تعمق است و همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود تعمق بین اعضای هیئت علمی زنان و مردان متفاوت بوده و مردان به صورت معنی‌داری تعمق بیشتری از زنان دارند ($p < 0.01$)، اما انعطاف‌پذیری و جامعیت بین اعضای هیئت علمی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نداشت ($p > 0.05$).

نتیجه کلی اینکه با توجه به داده‌های جدول (8) می‌توان سؤال اصلی پژوهش را این چنین پاسخ داد. با توجه به سطح معنی‌داری ($p < 0/01$) می‌توان با اطمینان 99% رابطه مثبت ذهنیت فلسفی با خلاقیت اعضای هیئت علمی را پذیرفت، یعنی با افزایش هر یک از این متغیرها، دیگری نیز افزایش خواهد یافت. همچنین از تحلیل داده‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که بعد جامعیت ذهنیت فلسفی رابطه بیشتری با خلاقیت دارد و ابعاد تعمق و انعطاف‌پذیری در مرتبه دوم و سوم با خلاقیت اعضای هیئت علمی مرتبط هستند. ویژگی ذهن فلسفی در بعد جامعیت نگرستن به موارد

خاص در ارتباط با زمینه وسیع، ارتباط دادن مسائل آتی به اهداف درازمدت و به کار بردن قدرت تعمیم و شکیبایی در تفکرات عمیق است. اعضای هیئت علمی که دارای ویژگی بعد تعمق هستند، نحوه تفکر خود را دگرگون ساخته و مسائل اطراف خود را قطعی نمی‌شمارند و همیشه به آنها با تردید نگاه می‌کنند و برای مسائل و امور تلویحی روش قیاسی را به کار می‌برند، این ویژگی‌ها، باعث تقویت خلاقیت در آنها می‌شود. از آنجا که ویژگی‌های ذهنی در بعد انعطاف‌پذیری، رها شدن از جمود فکری و ارزش‌سنجی افکار بدون توجه به منبع آنها و توجه به جنبه‌های گوناگون مسائل می‌باشد، اعضای هیئت علمی با داشتن ویژگی‌های ذهنیت فلسفی دید وسیعی نسبت به قضایا داشته و به امور و روابط فردی حساسند و از جمود فکری دور و در قضاوت‌ها از خود سعه صدر نشان می‌دهند که این شکیبایی در قضاوت‌ها باعث خلق ایده‌های جدید و نو (خلاقیت) می‌شود. اعضای هیئت علمی خلاق دارای اعتماد به نفس، کوشا برای رفع مشکلات، شجاع و جسور، دارای ایده و طرح‌های جدید، توجه به عقاید و نظرات دیگران، احترام گذاشتن به ایده‌های دیگران، برقراری ارتباط عمیق و صمیمی با دیگران می‌باشند. وجود چنین ویژگی‌هایی در اعضای هیئت علمی تأثیر مثبتی در روابط آنان با دانشجویان داشته و بی‌شک چنین اعضای هیئت علمی، دانشجویان خلاق پرورش داده و به جامعه تحویل خواهند داد.

- سوال اصلی دیگر پژوهش اینکه آیا بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آزاد استان زنجان بر اساس ویژگی‌های جنسیت و رشته تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ مقایسه‌های انجام شده بوسیله آزمون T مستقل بیانگر آن است که بین خلاقیت و ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی و علوم پایه با یکدیگر تفاوت معنی‌داری ندارد. همچنین آزمون T مستقل با $(p > 0/05)$ نشان داد که خلاقیت در بین اعضای هیئت علمی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری نداشته، اما ذهنیت فلسفی در اعضای هیئت علمی مردان به صورت معنی‌داری بیشتر از اعضای هیئت علمی زنان است. در بین اجزا ذهنیت فلسفی تنها عاملی که باعث ایجاد تفاوت شده، تعمق است. مردان به صورت معنی‌داری تعمق بیشتری از زنان داشته، اما جامعیت و انعطاف‌پذیری زنان و مردان با یکدیگر تفاوت معنی‌داری نداشت.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش سیف هاشمی در سال (1383) تحت عنوان بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت بین مدیران مدارس متوسطه شهر

اصفهان، همخوانی دارد. بدین ترتیب که بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران نیز رابطه مثبت وجود داشته و بین ابعاد ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران با متغیرهایی چون سن، خدمت، مدرک و رشته تحصیلی تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردیده است. اما، خلاقیت در بین مدیران زن بیشتر از مدیران مرد بوده است. همچنین نتایج تحقیقات هاشمی (1372) و بندلی‌زاده (1376) نشان می‌دهد، ذهنیت فلسفی بالا در افراد با کارایی آنان رابطه مثبت داشته و بر عملکرد آنان تأثیرگذار است.

پیشنهادها

- با توجه به اینکه در رابطه میان شاخص‌های ذهنیت فلسفی و خلاقیت نقش «قیاس» در ارتباط با شاخص جامعیت بسیار تعیین‌کننده می‌باشد، پیشنهاد می‌شود که در نظام آموزش عالی کشور، برای بهبود خلاقیت، شیوه تدریس قیاسی در اولویت قرار گرفته و در سطح کلان برنامه‌ریزی درسی، به گونه‌ای عمل شود که جایگاه این شیوه تدریس مورد توجه قرار گیرد.
- برای درک بهتر رابطه میان ذهنیت فلسفی و خلاقیت، پیشنهاد می‌شود نظام‌های آموزشی کشورهای موفق مورد بررسی دقیق قرار گیرد و از دستاوردهای این کشورها، در بهبود نظام آموزشی عالی کشور استفاده شود.
- با توجه به اینکه یکی از ملزومات ذهنیت فلسفی، فراهم آوردن فضای لازم و شرایط مقتضی برای اعضای هیئت علمی برای بیان آزادانه ایده‌ها و نوآوری‌های جدید می‌باشد، پیشنهاد می‌شود، ساختار نظام آموزش عالی کشور به گونه‌ای تعبیه شود که ایده‌ها و نوآوری‌ها به راحتی مطرح و جنبه عملیاتی پیدا کند.
- در هنگام گزینش و جذب اعضای هیئت علمی در مجامع دانشگاهی بایستی مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی و خلاقیت مورد تأکید قرار گیرد. می‌توان با تهیه و تدوین یک برنامه و طرح جامع و گنجانیدن شاخص‌های این دو متغیر در جذب استادان برخوردار از ذهنیت فلسفی و خلاق توفیق حاصل نمود.
- زمینه‌های بروز و رشد ذهنیت فلسفی و خلاقیت را در استادان فراهم آورده و در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت روش‌های پرورش خلاقیت و ذهنیت فلسفی را به اعضای هیئت علمی آموزش دهند.

- با انتشارات مقاله‌ها و نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه خلاقیت و ذهنیت فلسفی در منابع اطلاعاتی، اعضای هیئت علمی را به اهمیت این دو مقوله آگاه سازند.

- اعضای هیئت علمی که دارای ذهنیت فلسفی مطلوب و ایده‌های جدید و نو هستند را شناسایی کرده آنان را به سایرین معرفی و تشویق نمایند و در برگزاری و اجرای کارگاه‌ها و سمینارها و همایش‌ها در حوزه ذهنیت فلسفی و خلاقیت از آنها استفاده شود.



منابع

- اسحاقیان، مهدی (1372). بررسی میزان حاکمیت ابعاد روح فلسفی مدیران آموزش متوسطه شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- اسمیت، فیلیپ (1382). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی. مترجم محمدرضا بهرنگی، نشر تندر.
- بندلی‌زاده، نادر (1376). تأثیر ذهنیت فلسفی بر کارایی مدیران مدارس شهر دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- حجتی، علیرضا (1375). بررسی ارتباط خلاقیت و سطح ارزشمندی در دانشجویان مرکز تربیت معلم مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- حسین پور، کمال (1385). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی و سبک مدیریت تعارض مدیران مدارس متوسطه شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- خرقانیان، علی (1372). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با روحیه معلمان آنان در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- شریعتمداری، علی (1377). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. انتشارات امیرکبیر.
- صمد آقایی، جلیل (1380). تکنیک‌های خلاقیت فردی و گروهی. چاپ اول، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- صمد آقایی، جلیل (1383). خلاقیت جوهره کارآفرینی. انتشارات دانشگاه تهران.
- فرهنگ، قدرت‌اله (1377). بررسی عوامل مؤثر بر خلاقیت مدیران شرکت روغن نباتی پارس در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- گوتهک، جرال‌دال (1388). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. محمد جعفر پاک سرشت، انتشارات سمت.
- مرادی مهدی و آبادی، صدیقه (1386). بررسی رابطه بین باورهای معرفت‌شناختی اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد با کیفیت تدریس آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- میرکمالی، سید محمد (1379). رهبری و مدیریت آموزشی. انتشارات یسپرون.

- هاشمی، سیداعظم (1372). بررسی تأثیر ابعاد ذهنیت فلسفی بر چگونگی انجام وظایف مدیریت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- هاشمی، فخرالسادات (1383). بررسی ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران متوسطه شهر اصفهان. فصلنامه تعلیم و تربیت، ش 1، بهار.

- Ford, sam. A (1998). *Factor Leading to Innovation: astudy of Managers Perspective about Factor Creativity research Journal of Creativity*, New York: No, 3. pp. 33 – 39.
- Gross, Jean (2006). *Greative and Philosophical Thinking in the primary classroom, primary National strategy*.
- Kaiser. M. (1986). New York: McGraw Hill book company.
- Lipman, Matthew, sharp, Ann Margarage. (1975). *Teaching children Philosophical and introduction it the Teacher's Manual for Harry stotlemeiers Discovery*, P1.
- Mack Kinnon. D.W. (1962). *The nature and natury of Creative talent. Journal American Psychologist*, No 13, pp 98- 120.
- Michael. J. H. (1991). *Problem Solving in business and Management*. London: chapman and Hall. Pp. 91.99.
- Smith, Philip (1965). *What is Philosophy education?* U.S.A. Mcmillan.
- Stanly, Sara & Bowkett, Steve (2004). *But Why (Developing Philosophical Thinking in the Classroom*. Network Educational press Ltd Stafford /GB.